

# روستا

## منطقه مغضوب

### تبدیل نفت به تنه‌ارکن صادراتی در پی اضمحلال کشاورزی

کردن اراضی، مراتع را بلا استفاده گذارده و باعث از بین رفتن علوفه دامها گردیده و موجبات اضمحلال تدریجی دامداری را فراهم آورد و در پی آن باتشکیل مجتمعات کشت و صنعت، باغسبب زمینهای مزروعی از روستائیان، آنان را از روستا رانده و تبدیل به کارگران ارزان قیمت شرکتهای کشت و صنعت نمودند، که خود این مجتمعات با مشارکت و سرمایه گذاری امپریالیستها تاسیس شده بود. بدین ترتیب بهترین و کیفی ترین زمینها در خدمت وامکانات مالی در اختیار شرکتهای کشت و صنعت قرار گرفت. همچنین با اضافه کردن یک عضو دیگر به

مقدمه قسمت گذشته:

در قسمت گذشته بانقد و بررسی سیاستهای جانبی رفرم دیدیم که رژیم با ایجاد شرکتهای سهامی زراعی، قشر عظیمی از روستائیان از صحنه حذف شده و طبقه مرفه صاحب سهام گردیده و از امکانات دولتی بهره‌مند می‌گردند، همچنین با تاسیس خانه‌های فرهنگ روستائی و با اعزام سپاه دانش به روستاها ناراضیتهای روستائیان از عملکرد رژیم با تبلیغات از طریق کانالهای ذکر شده رفع می‌گردید، هم‌طور دیدیم که رژیم توانست با اسکان عشایر و معانعت از چرای دام در مراتع، تحت عنوان ملی

از ابتدای برنامه سوم تا آخر سال ۱۳۴۵ بیش از ۷۰٪ دریا فتهای سازمان برنامه از نفت و پذیره آن تامین شده بود.

در طول برنامه پنجم با توجه به از دیداد درآمد نفت و همچنین تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳، صادرات نفت خام ایران در سال ۵۱ از ۴/۸ میلیون بشکه در روز به ۶/۷ میلیون بشکه در سال افزایش می‌یابد.

**\* سهم ایران در تولید نفت خام در خاورمیانه، اوپک و کل جهان در سال ۱۹۷۶، ۲۶/۹٪ کل در خاورمیانه و ۱۹/۳۳٪ کل در میان اعضای اوپک و ۱۰/۲٪ کل در جهان رسید.**

**\* تعیین تفاوت فاحش بهره‌مندی شهر و روستا از درآمد نفت، تنها با مشخص شدن کانالهای مصرف روشن می‌شود، چرا که هزینه‌های «عمرانی شهری» و «عمران روستائی» و نیز سایر هزینه‌هایی که به مصارف گوناگون در شهر و روستا می‌رسد بعنوان یکی از کانالهای مصرف دلارهای نفتی قلمداد می‌شود، آنگاه ستم مضاعف بر روستا در حکم «منطقه مغضوب» رخ می‌نماید.**

مجموعه مغرب، بنام بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی به نابودی کشاورزی دامن زدند و بالاخره نیز نتایج این فرسرم راکه باعث تسکین روزافزون سهم کشاورزی در تولید ملی و در نتیجه رواج بیکاری و مشعله‌های کاذب و... شد را بررسی نمودیم. اینک در ادامه بحث گذشته به نقش نفت در اقتصاد کشور می‌پردازیم:

## «نقش نفت پس از رفرم»

همزمان با اجرای رفرم امپریالیستی، نفت بعنوان عمده‌ترین محل درآمد رژیم، جایگاه ویژه‌ای را بخود

اختصاص می‌دهد و در حقیقت از سومین برنامه عمرانی ۵ ساله رژیم «۴۶-۱۳۴۱» برنامه ریزیها و بودجه بندیها تماما با احتساب درآمد نفت صورت می‌گیرد:

نگاهی به تولید، میزان صادرات و مبلغ درآمد نفت، نقش آن رادسیستم تک پایه بهتر نمایان می‌سازد بادقت برآنکه در این سالها صادرات غیر نفتی ایران تنها در پنبه، فرش، خشکبار و چند قلم محدود دیگر خلاصه میگردد. خلاصه عملکرد بخش نفت در سالهای سوم عمرانی «۴۶-۱۳۴۱» طبق گزارش رژیم چنین مشخص میگردد؟

«در طول برنامه سوم ۶ قرار داد جدید نفتی در مورد قسمتی از منطقه یکم فلات قاره بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های خارجی، نفت فارس، شرکت نفت خلیج فارس، پگوپگو، شرکت نفت فلات قاره دشتستان - دوپکو، شرکت نفت فلات قاره ایران - ایروپکو، شرکت نفت بین‌المللی دریائی ایران - ایمنوکو و شرکت نفت لاوان، لاپکو منعقد شد. در سال ۱۳۴۵ نیز جهت انجام عملیات اکتشافی و تولیدی وسیع و پر دامنه، در قسمت پهناوری از خاک کشور، یک قرار داد جدید و مترقی با گروه فرانسوی «اراپ» منعقد شد.

مجموع تولید ناخالص نفت ایران از سال ۴۱ تا پایان ۴۶ به حدود ۶۴۴/۵ میلیون متر مکعب رسیده و میزان متوسط رشد سالانه تولید نفتی این دوره ۱۴/۷٪ بوده است.

کل صادرات شرکت ملی نفت ایران از آغاز تا پایان برنامه در حدود ۶۰۵ میلیون متر مکعب بوده است.

در شرح برنامه عمرانی چهارم که توسط سازمان برنامه انتشار یافته است، اهمیت حیاتی نفت در سیستم وابسته بدین ترتیب بیان می‌شود:

«از خصوصیات مهم اقتصاد ایران طی این دوران اخیر، اهمیت زیاد بخش نفت در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی کشور است، صنعت نفت از ۳ نظر

در اقتصاد ایران نقش حیاتی دارد: اول از نظر ارزی، دوم از نظر درآمد دولت و سوم از نظر تولید ناخالص ملی.

کافی است که دانسته شود که در سال ۱۳۴۵ درآمدهای ارزی حاصل از فعالیتهای بخش نفت به میزان تقریبی ۶۵٪ پرداختهای خارجی مربوط به واردات کالاها و خدمات بوده و در حدود ۵۰٪ کل درآمد دولت از محل عوائد نفت تامین شده است.» در ادامه آمده است:

«برنامه‌های عمرانی کشور و تحقق پروژه‌های مختلف توسعه صنعتی ایران در گذشته، بستگی بسیار به درآمدهای حاصله از نفت داشته است، کافی است تذکر داده شود که از ابتدای برنامه سوم تا آخر سال ۱۳۴۵ بیش از ۷۰٪ دریافتیهای سازمان برنامه از نفت و پذیره آن تامین شده است.»

تعییب و پیگیری روند حرکت رژیم و پیوستگی آن بانظام سرمایه داری جهانی، اهمیت روز افزون نفت را در تحصیل درآمد و صرف آن در کانالهای خاص خود، آشکار می‌کند، چنانچه در خلاصه اهداف برنامه چهارم عمرانی در بخش صنعت نفت و گاز، رشد تولیدات بخش نفت در سال آخر برنامه چهارم، در مقایسه با سال ۱۳۴۴، میزان ۱۱۷٪ پیش بینی شده است که سالانه بطور متوسط تولید نفت ۱۶/۸٪ افزایش یافته است.

اهداف کلی برنامه چهارم عمرانی در فاصله سالهای (۵-۱۳۴۷) بر «توسعه صنعت نفت کشور و ازدیاد درآمد حاصل از آن و «همچنین بر «گسترش عملیات شرکت ملی نفت در خارج از کشور» تاکید می‌ورزد.

بودجه بندی برنامه چهارم عمرانی نیز بطور کامل در ارتباط تنگاتنگ با درآمد حاصل از نفت تنظیم و تدوین میگردد. پس از آن برنامه پنجم عمرانی در نیمه دوم سال ۱۳۵۱ در کنفرانس تخت جمشید با حضور شاه طرح شده و در بهمن ۵۱ بتصویب مجلسین می‌رسد، اما افزایش قیمت نفت در سال



## جدول سهم اجزا تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۱ در پایان برنامه سوم، چهارم و پنجم.

بخشهای تولیدی	سال	۱۳۴۶	۱۳۵۱	۱۳۵۶
کشاورزی		۳۴/۵٪	۱۸/۱٪	۸٪
نفت		۱۳/۸٪	۱۹/۵٪	۴۸/۷٪
صنایع و معادن		۲۱/۳٪	۲۲/۲٪	۱۶/۱٪
خدمات		۴۰/۴٪	۴۰/۱٪	۲۷/۲٪

۱۳۵۳ رژیم را بر آن می‌دارد تا با توجه به ازدیاد درآمد ارزی حاصل از نفت، در برنامه ریزی پنجمین برنامه عمرانی تجدید نظر اساسی بعمل آورد. عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت در مقدمه برنامه تجدید نظر شده پنجم عمرانی در این خصوص عنوان می‌دارد: «زمانی کوتاه پس از تصویب این برنامه یعنی در خرداد و یکسال بعد، پیروزی درخشان ایران به رهبری خردمندان شاهنشاه در زمینه نفت از یکسو دیگر گونیهایی که در اقتصاد جهانی پدید آمد، از سوی دیگر نشان داد که آینده‌نگریهای شاهانه واقعیت یافته است. در چنین شرایطی برنامه مصوب قبلی نمی‌توانست چه از لحاظ کیفی و کمی هدفها و برنامه‌ها و چه از لحاظ سیاستها و خط‌مشی‌ها، از هر حیث کافی و رسا و پاسخگوی نیازهای جامعه متحول ایران باشد.

به همین سبب فصول مطالعات سازمان برنامه و بودجه برای تهیه گزارش دورنمای بیست‌ساله آینده ایران بررسی مجدد برنامه عمرانی پنجم نیز آغاز گشت و با یاری و همفکری تمام مؤسسات مربوطه، اصول کلی و خطوط اساسی تجدید نظر این برنامه معلوم و مشخص گشت.

در برنامه‌های قبلی حجم منابع مالی و محدودیتها نقش بسیار مهم در تصمیم‌گیری و تعیین اولویتها داشت ولی اینک غنای کشور ما از لحاظ درآمد سرشار نفت این تنگنا را از میان برداشته است. همچنانکه از محتوای کلام برمی‌آید، درآمد هنگفت نفت از سال ۵۳ به بعد دست رژیم را در صرف آن با ترز گذاشته و این مقطع بعنوان نقطه اوج وابستگی رژیم به دلارهای نفتی مشخص میگردد. در طرح پیش‌بینی شده برنامه پنجم عصرانی «۵۶-۱۳۵۱» اهمیت کمی افزایش نفت، بدینگونه بیان می‌شود:

«سیاست ایران در زمینه صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی چه بصورت مستقل از طریق شرکت ملی نفت ایران و چه از طریق شرکتهای عامل، موجب دریافت درآمد ارزی معادل ۱۰۲۲ میلیارد دلار در طول برنامه پنجم خواهد شد. کل درآمد ارزی بخش نفت در طول برنامه پنجم در مقایسه با برنامه چهارم ۱۲/۳ برابر خواهد شد، متوسط رشد سالیانه درآمد ارزی بخش نفت در طول برنامه پنجم ۶/۶٪ برآورد شده است.»

لذا با توجه به ازدیاد درآمد نفت و بازار مرغوب نفت ایران با توجه به تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳، میزان تولید و صادرات نفت خام ایران نیز بطرز سریعی فزونی می‌گیرد که در هدفهای کمی برنامه پنجم این چنین تعیین میشود:

الف- تولید نفت خام از ۵۱ میلیون بشکه در روز در سال ۵۱ به ۷۳/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۵۶ افزایش خواهد یافت.

ب- صادرات نفت خام از ۴/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۵۱ به ۶/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۵۶ افزایش خواهد یافت.

رژیم اینک با اتکاء به درآمد سرسام‌آور نفت و با اطمینان به تسلط خویش بر بازارهای جهانی نفت بویژه اروپا و آمریکا، فعالیت‌های جهانی خود را در

غارتگران امپریالیست عنوان می‌کند: «بخش مهمی از منابع انرژی جهان آزاد در کنترل ایران است و جهان آزاد نمی‌تواند از دست رفتن ایران را تحمل کند.»

غارت منابع نفتی ایران سبب می‌شود که در سال ۱۳۵۵، سهم دری دریافتهای بخش نفت از کل دریافتهای جاری ارزی به ۸۴/۷٪ برسد که بالاترین درصد این میزان به اولین سال افزایش درآمد نفت یعنی ۱۳۵۳ برمی‌گردد که در این سال ۸۹/۴٪ کل دریافتهای جاری ارزی از دریافتهای بخش نفت تامین می‌شد. در سالهای آخر حیات رژیم نیز تحصیل درآمد هنگفت نفتی و افزایش میزان تولید نیز همچنان ادامه دارد و از طرف دیگر تلاشی وافر در جریان است تا شرکت نفت ایران به عظیمترین شرکتهای جهان مبدل گردد.

هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارائی ایران در ۹ مرداد ۵۷ بیان می‌کند: «شرکت ملی نفت ایران بزرگترین شرکت صنعتی جهان می‌شود». گسترش حوزه فعالیت شرکت نفت ایران نیز در مد نظر امپریالیسم قرار دارد بطوری که روزنامه رستاخیز در تاریخ ۲۵ مرداد سال ۱۳۵۶ اعلام می‌کند که پالایشگاه آبادان بصورت بزرگترین پالایشگاه صادراتی جهان درمی‌آید. به گزارش مجله «فورچون» چاپ نیویورک، شرکت ملی نفت ایران، عنوان سودآورترین شرکت صنعتی جهان را در سال ۱۹۷۶ به خود اختصاص داد و این در حالی است که رژیم عوامفریب شاه عنوان می‌کند:

«برای حفظ منابع طبیعی کشور و استفاده صحیح و معقول از آن منابع، حد اعلائی کوشش مسبذول خواهد شد تا گذشته از نسل کنونی، نسلهای آینده نیز از این ذخائر بهره‌مند و برخوردار شوند.»

اهمیت حیاتی نفت ایران برای نفت خواران از زبان شاه در آخرین مباحثات سلطنت اینچنین بیان می‌شود: «اگر نظم حاکم ایران تغییر کند با توجه به وابستگی‌ای که بین ایران و اروپا وجود دارد، اروپا بیش از ۷۰٪ نیازش به انرژی، ژاپن در ۹۰٪ و آمریکا در ۵۵٪، شما بدون حتی یک فشننگ خواهید مرد. بدین ترتیب نفت و شاه در اذهان جهانی هم‌ردیف

حوزه نفتی نیز افزایش می‌دهد. در این چهارچوب توجه به برخی اقدامات رژیم در حوزه نفتی خارجی، حائز توجه است: مشارکت در عملیات توزیع و فروش فرآورده‌های نفتی در آمریکا، تامین قسمتی از نفت خام موردنیاز پالایشگاههای خارجی از جمله آفریقای جنوبی، تامین حدود ۹۰٪ از نفت مورداحتیاج اسرائیل که این اقدام بنا بر ملاحظات سیاسی خارجی و داخلی، امکان بروز نمی‌یابد. در این زمان زنجیرهای پیوستگی سیستم به دلارهای نفتی محکمتر می‌شود بسنجوی که ۸۰٪ دریافتهای

دولت در طول برنامه پنجم از محل درآمد نفت سهم خود را سریعاً افزایش می‌دهند: در خلال سالهای برنامه پنجم نیز، درآمد حاصل از نفت همواره رو به فزونی است، بطور نمونه ارزش صادرات نفت و گاز ایران در سال ۱۳۵۴، به میزان ۱۹۱۰۹۹ میلیارد دلار می‌رسد که تنها در فاصله یکسال یعنی در سال ۵۵ این میزان به ۲۴۲ میلیارد دلار می‌رسد. تولید نفت نیز بطور طبیعی دائماً رو به تزاید بود، که نمودار زیر روند افزایش را بیان می‌نماید:

بطوری که میزان تولید نفت خام از ۲۶۲ میلیون مترمکعب در سال ۵۱ به ۲۹۳/۷ میلیون مترمکعب در سال ۱۳۵۵ بالغ می‌گردد. از سوی دیگر سهم ایران در تولید نفت خام در خاورمیانه، اوپک و کل جهان نیز فزونی می‌گیرد که در سال ۱۹۷۶ در اوج درآمد نفتی ایران، سهم تولید نفت خام ایران در خاورمیانه به ۲۶/۹٪ کل، در میان اعضای اوپک به ۱۹/۳٪ کل و در کل تولید نفت خام جهان به ۱۰/۲٪ می‌رسد.

با دقت برآمار و ارقام فوق و میزان غارت، بی‌دلیل نیست که اردشیر زاهدی سفیر کبیر ایران در آمریکا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «ان.بی.سی» آمریکا صریحاً عنوان کند که: «نفت برای ایران مانند آب و نان است.»

شاه معدوم نیز در یک مصاحبه مهم مطبوعاتی در ۳ آبان ۵۵، پیوستگی «ایران صاحب نفت» را با

تلقی می‌گردند و طی سالهای غارت، درآمد حاصل از نفت با تک‌تک سلولهای حیات کشور رابطه ناگسستنی برقرار می‌سازد. با مشخص کردن کانالهای عمده مصرف درآمد نفت چه در ایران و چه خارج از کشور عمق غارت و چپاول فاجعه‌آمیز آشکارتر می‌شود. تعیین تفاوت فاحش بهره‌مندی شهر و روستا از درآمد نفت نیز تنه با مشخص کردن این کانالها روشن خواهد شد، چرا که هزینه‌های «عمران شهری» و «عمران روستایی» و نیز سایر هزینه‌هایی که به گوناگون در شهر و روستا می‌رسد بعنوان یکی از کانالهای مصرف دلارهای نفتی قلمداد می‌شود آنگاه ستم مضاعف بر روستا در حکم «منطقه مغضوب» رخ می‌نمایند. لذا با توجه به این فاکتور مهم گویش تفاوت‌های اصلی شهر و روستا در ایران بدون ذکر مختصر نقش نفت بعنوان تنها درآمد رژیم و موارد مصرف آن در داخل کشور غیر منطقی بنظر می‌رسد چرا که در یک مجموعه همه جانبه، دست برای تعیین، عمق تفاوتها بازتر خواهد بود، زیرا ستم زدگان روستایی و محرومان شهری در زمانی سفره‌شان خالی است که «شرکت ملی نفت ایران» عنوان «سود آور ترین شرکت جهان» را مختص خویش می‌سازد.

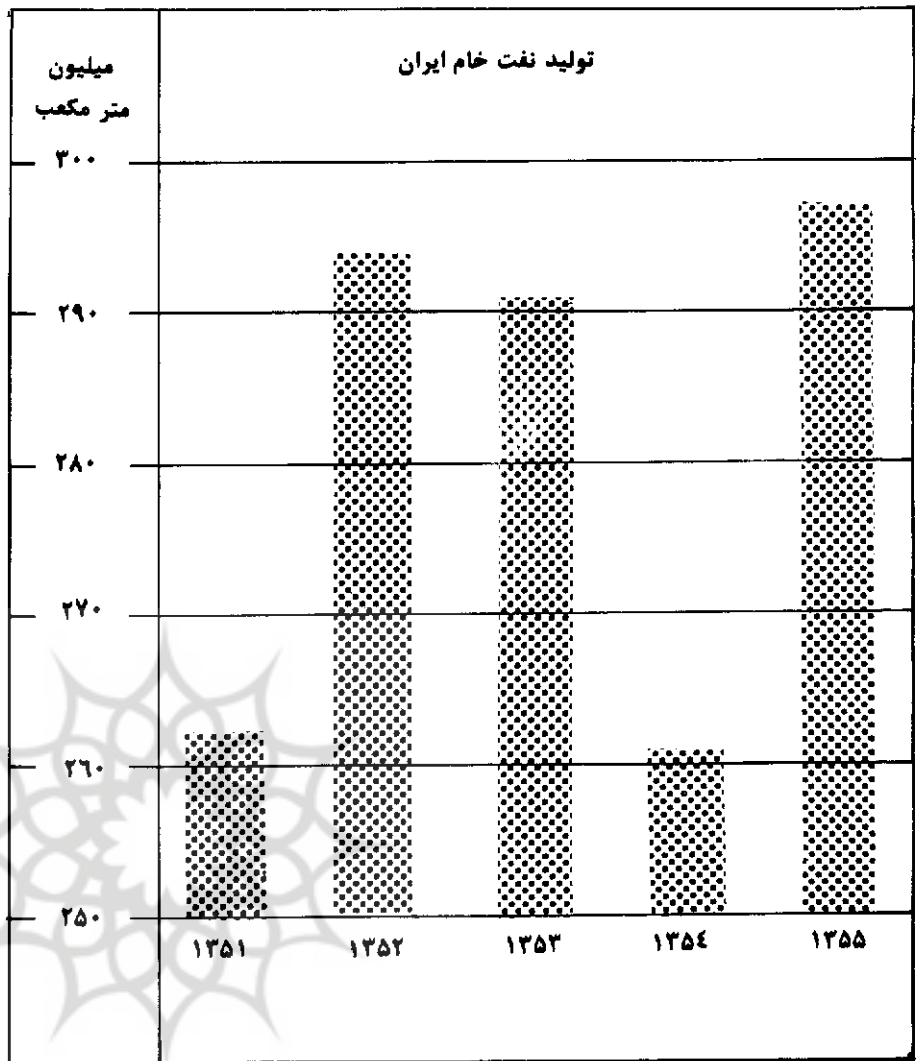
## کانالهای مصرف در آمد نفتی

نفت بعنوان بعنوان تنها نقطه اتکاء سیستم در طی سالهای مختلف مخصوصاً پس از از دیاد قیمت نفت عمده‌ترین محل درآمد رژیم بشمار می‌رود که در کنار آن عوارض و مالیاتهای گمرکی و در آمد گمرکات، عوارض و مالیاتهای شهرداریها، مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم سالانه و همچنین ارز حاصل از صادرات اقلامی چون خشکیار، پنبه، زیتون، خاویار و فرش از دیگر منابع درآمد محسوب می‌گردیدند که بطور طبیعی نفت اصلی‌ترین سهم را بخود اختصاص می‌دهد.

لذا کلیه مخارج و هزینه‌ها از محل درآمد نفت به طور اخص و دیگر منابع تامین می‌گردد، از اینرو با نمایان شدن هر چه بیشتر حقارت هزینه‌های اختصاص داده شده به عمران شهری و روستایی که این دو نیز خود تفاوتی فاحش با یکدیگر دارند، دقت بر کانالهای عمده مصرف در آمد سرشار نفت و سایر درآمدها، در حد لزوم ضرورت می‌یابد.

الف- هزینه‌های وارداتی:

تامین نیازهای داخلی کشور اعم از کالاهای مصرفی، سرمایه‌های واسطه‌ای از طریق واردات، بخش مهمی از ارز حاصل از درآمد نفت را مختص خود می‌سازد که پس از افزایش درآمد نفت این میزان از افزایش چشمگیرتری برخوردار است. از همان سالهای رفرفر با اضمحلال تدریجی کشاورزی چنین خطی ترسیم می‌گردد بنحوی که در طول سالهای ۳۸ تا ۴۴ واردات کالا حدود ۲۰٪ افزایش داشته است. ارقام زیر ارزش واردات کالا و درصد رشد آنرا در فاصله سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ نشان می‌دهد:



ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۵۵ بانک مرکزی ایران، فصل سوخت و نیرو

سال	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
ارزش واردات به میلیون دلار	۱۳۸۹/۲	۱۵۴۲/۷	۱۶۷۶/۶	۲۰۶۰/۹
درصد رشد	٪۱۶/۷	٪۱۱/۱	٪۸/۷	٪۲۲/۹



در سال ۱۳۵۱ به نوشته روزنامه کیهان مورخ ۵۱/۴/۲۰ آمریکا بزرگترین صادر کننده کالا به ایران شد. در همین زمان در تدوین برنامه عمرانی پنجم، مبلغ ۷۹/۱ میلیارد دلار برای پرداختهای ارزی جهت ورود کالا در نظر گرفته می شود که در مقایسه با همین هزینه در طول برنامه چهارم ۵۱۸-۷/۳۴۴۷ برابر افزایش داشته است. همچنین که یاد آوری شد پس از ازدیاد قیمت نفت در سال ۵۳ به یکباره این روند شتاب بسیار سریعی بخود می گرد بنحوی که در سال مزبور میزان واردات کشور از نظر وزن ۳۹٪ و از نظر ارزش ۷۷٪ افزایش حاصل می کند که در این اوان در تجارت خارجی ایران به استثنای تسلیحات، شش کشور آمریکا، آلمان غربی، ژاپن، فرانسه، انگلستان و ایتالیا نقش اساسی برعهده دارند. با ایجاد و گسترش بازار مصرف ایران پس از افزایش در آمد نفت در تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۴ کنفرانس سوهر سرمایه داران جهان تحت پوشش «کنفرانس بازار پول و سرمایه ایران و آمریکا» به ریاست «استراک» و رئیس هیئت مدیره بانک «چیس مانهاتان آمریکا» و با حضور بیش از ۵۰ تن از روسای بانکها و سرمایه داران آمریکائی در تهران تشکیل گردید تا امکانات جدید را مورد ارزیابی قرار دهد. در همین سال طبق ارقام مندرج در ترازنامه بانک مرکزی ایران- سال ۱۳۵۴، واردات کشور از نظر وزن ۴۲٪ و از نظر ارزش ۷۷٪ نسبت به سال قبل از آن دارای افزایش است. یکسال بعد واردات گمرکی ایران به ۱۲/۶ میلیارد دلار رسید که کشورهای آلمان غربی و ژاپن مقامهای اول و دوم را به لحاظ حجم صادرات به ایران بدست آوردند درحالی که در همین سال صادرات غیرنفتی ایران ۱۳٪ کاهش را نشان می دهد. در سال ۱۳۵۶ تنها واردات کشاورزی به رقمی بیش از ۱۲۰ میلیارد ریال می رسد و در همین سال به نوشته روزنامه تایمز «ایران به بزرگترین بازار کالاهای غربی در آسیا تبدیل می شود».

دقت به چند خبر استراتژیک عمق وابستگی به واردات را بیان می نماید:

۲۱ آذر ۱۳۵۵: ریچارد هلمز رئیس سابق سازمان سیا و سفیر دولت آمریکا در ایران در پایان مأموریت خود می گوید: یکی از مهمترین تحولات در روابط ایران و آمریکا افزایش صادرات غیرنظامی به ایران است: این صادرات در چند سال گذشته از حدود ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۲ به بیش از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ رسیده است و پیش بینی می شود که در پنج سال آینده میزان تجارت دوجانبه به ۴۰ میلیارد دلار برسد.

اول دیماه ۱۳۵۵: ایران و کشورهای عضو بازار مشترک اروپا ۱۰ میلیارد دلار طرحهای در دست اجرا دارند.

۱۹ دیماه ۱۳۵۵: ادسون دل وزیر بازرگانی انگلستان در تهران گفت ایران بزرگترین بازار ما در خاورمیانه است ۱۲ بهمن ۱۳۵۵: وزارت بازرگانی اعلام کرد طی ۱۰ ماه اول سال ۵۵، ۱۲ میلیون تومان کالا به ارزش ۸۱۵ میلیارد ریال وارد کشور شده است.

۱۷ بهمن ۱۳۵۵: سناتور ضیائی رئیس اتاق ایران: حجم مبادلات ایران و فرانسه به یک میلیارد دلار افزایش یافته است.

۱۸ اسفند ۱۳۵۵: رادیو کلم: در سال ۱۹۷۶ ایران مهمترین کشور خریدار کالا از آلمان فدرال در منطقه خاورمیانه و نزدیک است.

۲۳ فروردین ۱۳۵۶: در سال گذشته ایران یازدهمین کشور وارد کننده از آمریکا با ۱۰/۹ میلیارد دلار بوده است.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۶: یک پروتکل ۳۰ میلیارد فرانکی بین ایران و فرانسه امضاء شد.

۶ خرداد ۱۳۵۶: زاهدی سفیر ایران در آمریکا در یک میهمانی در شهر دالاس: ایران به تنهایی وسیعترین بازار برای کالاهای آمریکائی است.

اول تیر ۱۳۵۶: جیمز گالاهان نخست وزیر انگلستان: حجم مبادلات بازرگانی ایران و انگلستان روبه افزایش است و میزان آن در سال گذشته از ۵ میلیارد دلار تجاوز کرده است.

۱۳ مرداد ۱۳۵۶: در مقابل سیل واردات به ایران

سختگوی وزارت کشاورزی اعلام کرد در ماه گذشته این کشور ۱۵۵ سگ، ۵۹ گربه، ۳ شیر، ۲ میمون و ۱۲ جفت مرغ و خروس به خارج صادر کرد.

۲ شهریور ۱۳۵۶: رولف رننگتن رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان: حجم مبادلات تجاری ایران و آلمان غربی از شش میلیارد مارک در سال ۱۹۷۴ به ۱۰/۸ میلیارد مارک در سال ۱۹۷۷ رسیده است.

۲۳ بهمن ۱۳۵۶: یگانه وزیر اقتصاد: واردات کشور در ۱۰ سال گذشته ۱۰ برابر شده است.

۱۰ اسفند ۱۳۵۶: سایروس ونس وزیر امور خارجه آمریکا در چهارمین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و آمریکا در کاخ وزارت خارجه آمریکا: حجم مبادلات بازرگانی ایران و آمریکا در طول ۱۹۷۷ بالغ بر ۵ میلیارد دلار بوده که در طول ۱۰ سال گذشته ۱۵ برابر شده است.

اول اردیبهشت ۱۳۵۷: والتر شل رئیس جمهور آلمان غربی در تهران: حجم بازرگانی ایران و آلمان در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷، سه برابر شده است.

۹ اردیبهشت ۱۳۵۷: مارگارت تاچر رهبر حزب محافظه کار انگلستان در تهران: قدرت ایران برای آینده ما حیاتی است. حجم معاملات انگلستان با ایران به یک میلیارد لیره افزایش یافته است.

۱۷ تیر ۱۳۵۷: معاون وزارت بازرگانی آمریکا: ایران واقعاً جایگاه ثبات و امید است و تجارت آمریکا با علاقه بی سابقهای به این کشور به منزله محیط خوبی برای بازرگانی نگریده است.

بدین ترتیب سهم واردات در مصرف درآمد نفت مشخص میگردد که در اثر ورود بی حد و حساب کالاهای رنگارنگ و متنوع، فشار پرداخت سوبسیدها همچون سایر مصائب گریبانگیر محرومان شهری و بویژه روستائیان می گردد.

ادامه دارد.....

ترکیب واردات گمرکی ایران با توجه به سیاست درهای کاملاً باز رژیم، دارای ترکیب زیر بوده است:

سال	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
کالای واسطه‌ای	۱۵۹۶	۲۲۷۴	۴۲۶۶	۶۲۱۲	۶۷۱۳	۷۶۵۱
کالای سرمایه‌ای	۶۴۲	۹۰۶	۱۳۳۱	۳۴۸۹	۳۸۰۳	۳۸۴۱
کالای مصرفی	۳۲۲	۵۵۷	۱۰۱۷	۱۹۹۵	۲۲۵۰	۲۶۳۲

ارقام به میلیون دلار می باشد